

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

تنبیه

از آن چه قبلاً گفته شد بدست می آید که مهمترین شرط در باب وجوب غیری مقدّمی این است که ذی المقدمه وجوبش فعلیت داشته باشد. معقول نیست که وجوب صلاة بعد از زوال تحقق یابد ولی طهارت آن الآن وجوب غیری داشته باشد و این امر مستحیلی است که طهارت، وجوب غیری مقدّمی قبل از زوال پیدا کند در حالی که فعلیت وجوب نماز بعد از زوال پیدا می شود.

پس هر کجا که وجوب مقدّمه، فعلیت پیدا کرد اول باید در همان وقت و در همان حال وجوب ذی المقدمه فعلیت داشته باشد.

ملاك وجوب غیری و فعلی داشتن مقدمات وجودیه

چنانکه گذشت، محلّ نزاع در بحث مقدمه واجب فقط مقدمات وجودیه هستند. حالا بحث در این است که اگر مقدمه وجودیه يك ذی المقدمه بخواهد وجوب فعلی داشته باشد ملاك آن چیست؟

از مجموع عبارات مرحوم آخوند استفاده می شود که اگر چهار شرط وجود داشته باشد وجوب غیری فعلی برای مقدمات وجودیه تحقق خواهد یافت.

شرط اول: این است که باید ذی المقدمه، وجوب فعلی داشته باشد و اگر وجوب ذی المقدمه فعلیت نداشته باشد، مقدمه هم نمی تواند وجوب غیری پیدا کند؛ زیرا وجوب غیری مقدمه از وجوب ذی المقدمه ترشح می شود.

مرحوم آخوند در مورد فعلیت وجوب ذی المقدمه و راه های اثبات آن می فرماید: ذی المقدمه در هر حال باید وجوبش فعلی باشد و فعلیت وجوب آن یا از این باب است که واجب مطلق منجز است؛ و یا از این باب که واجب معلق صاحب فصول است وجوبش فعلیت دارد؛ و یا این که واجب مشروط شیخ انصاری است - که به واجب معلق رجوع می کند - و بر این اساس است که ذی المقدمه، وجوب فعلی دارد؛ یا این که نه واجب مطلق است و نه واجب معلق صاحب فصول و نه واجب مشروط شیخ انصاری می باشد، بلکه واجب مشروط به مبنای مشهور است به این صورت که آن شرطی که در آینده تحقق پیدا می کند به صورت شرط متأخر اخذ شده است و معنای شرط متأخر این است که با این که شرط، در آینده تحقق می یابد ولی مشروط و تکلیف و وجوب الآن تحقق دارد. و توضیح آن گذشت که چطور می شود وجوب، الآن باشد و شرط آن بعدا تحقق یابد که گفتیم که آن چه که شرطیت دارد لحاظ و تصور این شرط متأخر است، و لحاظ و تصور هم مقارن و همراه تکلیف است.

به هر حال در هر يك از 4 صورت، وجوب ذی المقدمه فعلیت دارد و تکلیف، الآن تحقق دارد.

پس نتیجه این شد که اولین شرط در وجوب مقدّمه این است که در حال وجوب مقدّمه، باید ذی‌المقدمه وجوبش فعلی باشد و فعلیت وجوب ذی‌المقدمه به اختیار شماسست که آن را از 4 راه درست کردیم.

يك مثال که سابقاً هم ذکر شد مسئله حجّ است که حجّ با این‌که مقید به زمان خاص است و باید در ماه ذی‌حجّه تحقق یابد، ولی اگر کسی مستطیع شد بعد از استطاعت لازم است مقدّمات حجّ را تهیه کند. این وجوب تحصیل مقدّمات در چه صورتی امکان دارد؟ اگر وجوب حجّ فعلیت نداشته باشد و اگر نسبت حجّ به زمان، مثل نسبت نماز به زمان باشد که نماز قبل از زوال، وجوب ندارد و لذا هیچ‌يك از مقدّماتش هم معقول نیست که وجوب داشته باشد پس به چه دلیل الآن تحصیل مقدّمات حجّ لازم است؟

اگر حجّ وجوبش فعلیت نداشته باشد و قبل از رسیدن موسم، تکلیف به حجّ فعلیت نداشته باشد امکان ندارد که مقدّماتش واجب التحصیل باشد. پس الآن باید وجوبی برای حجّ بعد از استطاعت درست کنید ولو این‌که زمانش در آینده می‌آید، حالا می‌خواهید این وجوب فعلی حجّ را از راه واجب معلّق صاحب فصول درست کنید یا از راه واجب مشروط شیخ انصاری یا از راه واجب مشروط مشهوری به نحو شرط متأخر که ما درست کردیم ... بالاخره باید الآن وجوب ذی‌المقدمه فعلیت داشته باشد. این يك مثال بود.

مثال دیگر که مورد ابتلاء هم هست مسئله غسل جنابت در ماه رمضان قبل از شروع فجر و قبل از شروع روزه است. این غسل جنابتی که قبل از طلوع فجر در ماه رمضان در شب لزوم دارد، لزوم و وجوب آن به عنوان مقدمیت و وجوب غیرى است. حال سؤال این است که چگونه وجوب غیرى دارد در حالی که هنوز صوم واجب نشده است؟ وجوب صوم با طلوع فجر تحقق پیدا می‌کند پس چطور مقدّمه - غسل جنابت قبل از طلوع فجر - قبل از ذوالمقدمه وجوب پیدا کرده است؟

این‌جا هم شما چاره‌ای ندارید که مسئله وجوب صوم را قبل از طلوع فجر ثابت کنید و باید بگویید که قبل از طلوع فجر هم صوم واجب است، و زمان در واجب مدخلیت دارد بنا بر عقیده صاحب فصول که واجب معلّق درست می‌کند و می‌گوید: زمان، قید برای صوم است؛ نه این‌که ارتباط با وجوب داشته باشد، بلکه وجوب قبل از طلوع فجر هم ثابت است. هر وقت شما غسل جنابت کردید ولو 2 ساعت به طلوع فجر مانده است، همان وقت وجوب صوم در کار بوده است که مقدّمه وجوب پیدا کرده است.

پس یا باید وجوب صوم را مثل واجب معلّق صاحب فصول بگیریم و یا مثل واجب مشروط شیخ انصاری بگیریم و یا مثل واجب مشروط خود ما که بگوییم: وجوب، اوّل شب ثابت است و شرط وجوب هم طلوع فجر است؛ ولی طلوع فجر به صورت شرط متأخر در وجوب صوم مدخلیت دارد.

نتیجه هر سه فرض این می‌شود که وجوب صوم قبل از فجر ثابت است و چون‌که قبل از فجر وجوب صوم ثابت است لذا غسل جنابت هم که عنوان مقدمیت دارد - و از آن مقدّماتی هم هست که بعد از آن‌که زمان صوم آمد دیگر نمی‌شود آن را انجام داد - وجوب پیدا می‌کند به عنوان وجوب غیرى مقدّمی.

پس شرط اوّل وجوب مقدّمی این شد که باید ذی‌المقدمه وجوبش فعلیت داشته باشد، منتهی هر راهی که شما برای وجوب فعلی درست کنید - واجب معلّق صاحب فصول، واجب مشروط شیخ انصاری، واجب مشروط خود آخوند - مانعی ندارد.

شرط دوّم: این است که مقدّمه وجودی اگر يك عنوان دیگری هم داشته باشد و آن این‌که مقدمه وجوبی هم باشد و دو حیث مقدمه وجوبی بودن و مقدمه وجودی بودن در آن باشد، چنین مقدمه‌ای واجب نیست.

آن مقدّماتی که هم در وجود و هم در وجوب مدخلیت دارند، مثل اوقات در باب نماز. البته وقت، امر غیر اختیاری است ولی در هر دو جهت در نماز دخالت دارد، یعنی: هم در وجوب نماز و هم در وجود نماز مدخلیت دارد. نماز ظهر قبل از زوال هم باطل است و هم واجب نیست، پس زوال در دو جهت مدخلیت دارد: وجوبا و وجودا.

خلاصه این که اگر يك مقدمه وجودیه بخواد وجوب پیدا کند، شرط دوم آن این است که مقدّمه الوجوب نباشد، مثل طهارت برای نماز که در وجود نماز مدخلیت دارد ولی در وجوب نماز مدخلیت ندارد.

حال سؤال این است که چرا این شرط را می‌آورید که مقدمه وجودی اگر بخواد واجب شود نباید مقدمه وجوبی باشد؟

جواب این است که مقدمه وجوبیه نمی‌شود که وجوب داشته باشد؛ زیرا طلب حاصل و تحصیل حاصل لازم می‌آید.

گاهی مقدمه وجود پیدا می‌کند مثل استطاعت، ولی بعد از آن که ذی‌المقدمه واجب شد معنا ندارد که بگوییم و جوبی از ذی‌المقدمه ترشح شود و آن مقدمه موجوده را واجب کند. مقدمه موجوده معنا ندارد که حکم وجوب پیدا کند و اگر بخواد واجب شود، تحصیل حاصل است.

پس شرط دوم در وجوب مقدّمه این است که مقدمه ما تنها مقدمه وجودیه باشد و در وجوب ذی‌المقدمه کمترین دخالتی نداشته باشد.

شرط سوّم: این است که مقدمه وجودیه به صورت عنوان برای مکلف در دلیل أخذ نشده باشد.

يك جور مقدّماتی داریم که در لسان دلیل به صورت عنوان مکلف اخذ شده است، مثل این که می‌گوییم: ایّها المسافر بر تو واجب است که نماز را شکسته بخوانی. خارجا می‌دانیم که سفر، مقدّمه وجودیه برای نماز شکسته است. انسان حاضر اگر نمازش را شکسته بخواند، نماز تحقق پیدا نمی‌کند. اگر چه سفر مدخلیتی در صحّت نماز شکسته دارد ولی در عین حال آیا برای ما لازم است که عنوان مسافر را تحصیل کنیم و این مقدمه وجودیه را در خارج ایجاد کنیم؟

می‌گویند: لازم نیست؛ زیرا این مقدمه وجودیه در لسان دلیل به صورت عنوان مکلف اخذ شده است، و اگر به صورت عنوان اخذ شد معنایش این است که تا این عنوان در خارج تحقق پیدا نکند اصلاً حکم به نماز قصری وجود پیدا نمی‌کند و ثابت نمی‌شود. باید عنوان «المسافر» تحقق پیدا کند تا مسئله ثبوت تکلیف به نماز قصر در کار بیاید. آن وقت بعد از آن که عنوان مسافر تحقق پیدا کرد و مسئله تکلیف به قصر ثابت شد، آیا معنا دارد يك وجوب مقدّمی از مسئله قصر به مقدّمه سرایت کند و مقدّمه را که عنوان مسافر است لازم التحصیل بکند؟

خیر؛ زیرا این عینا مثل مقدّمات وجوبیه، تحصیل حال است. اگر عنوان مسافر تحقق پیدا نکرده است، تکلیف به قصری در کار نیست؛ و اگر عنوان مسافر تحقق پیدا کرده و در نتیجه وجوب قصر آمده است، دیگر عنوان مسافر موجود چه معنا دارد که يك وجوب مقدّمی به آن ترشح شود و حکم به لزوم تحصیل عنوان مسافر شود؟

پس شرط سوّم برای وجوب مقدّمات وجودیه این است که در ظاهر دلیل به صورت عنوان برای مکلف اخذ نشده باشد.

شرط چهارم: این تقریباً ناظر به واجب مشروط شیخ انصاری است که شیخ انصاری حجّ را قبل از استطاعت هم واجب می‌دانست و می‌گفت: شرط، دخالت در وجوب ندارد؛ بلکه دخالت در واجب دارد. استطاعت با زمان در باب حجّ فرق دارد و

زمان يك امر غير مقدور برای مكلف است ولی استطاعت يك امر مقدوری است.

خوب؛ چطور با این که استطاعت، دخالت در حجّ دارد و وجوب هم قبل از آن ثابت است، مع ذلك بنا بر عقیده شیخ لازم نیست انسان تحصیل استطاعت بکند؛ فرق بین استطاعت در باب حجّ و طهارت در باب نماز چیست که طهارت بنا بر عقیده شیخ لازم التحصیل است ولی استطاعت حتّی بنا بر عقیده شیخ لازم التحصیل نیست با این که امر مقدوری است؟

علّت این که استطاعت، وجوب تحصیل ندارد همین شرط و مطلب چهارم است که گاهی مقدّمات وجودیه جوری فرض می شود که مولی نمی خواهد مکلف این مقدّمه را تحصیل کند؛ بلکه مولی می خواهد اگر این مقدّمه خودبخود و طبیعی وجود پیدا کرد، ذی المقدّمه در دنبال آن تحقق پیدا کند.

در باب طهارت مولی می خواهد که تحصیل شود؛ ولی در باب استطاعت، این جوری فرض شده است که اگر استطاعت خودبخود و به صورت طبیعی حاصل شد آن وقت لازم است که مکلف حجّ عن استطاعه را انجام بدهد؛ نه این که لزوم، مشروط به استطاعت باشد، بلکه لزوم حالا هم تحقق دارد ولی حجّ عن استطاعه يك استطاعت مخصوصی در آن لحاظ شده است.

پس شرط چهارم برای وجوب مقدّمه این است که نحوه دخالت مقدّمه در مأموریه به این شکل نباشد که مولی، فرض وجودش را کرده باشد و برای وجود طبیعی و اتفاقی و خودبخودی آن مداخلیت قائل شده باشد. اگر به این صورت شد که وجود فرضی و طبیعی و خودبخودی مقدّمه اخذ شده بود، دیگر این مقدّمه واجب نیست.

پس قاعده کلی این شد که هر کجا مقدّمه ای بخواهد وجوب پیدا کند باید این 4 شرط در آن وجود داشته باشد و الا امکان ندارد مقدّمه اتصاف به وجوب غیری پیدا کند. آن 4 شرط برای وجوب مقدّمه عبارت شدند از:

1- وجوب ذی المقدّمه باید فعلیت داشته باشد که فعلیت وجوب ذی المقدّمه از هر راهی که ثابت شود، مانعی ندارد.

2- مقدّمه (شرط معلّق علیه) باید فقط مقدّمه وجودی باشد و کمترین دخالتی در وجوب ذی المقدّمه نداشته باشد و قید برای وجوب نباشد.

3- آن قید و مقدّمه در ظاهر دلیل، به صورت عنوان برای مکلف اخذ نشده باشد.

4- وجود اتفاقی و خودبخودی و طبیعی آن مقدّمه اخذ نشده باشد.

اگر هر يك از این شرایط نباشد دیگر مقدّمه، واجب نخواهد شد.

- حالا شما در مورد تطبیق آن باید از این 4 شرط استفاده کنید. چرا تهیه مقدمات حجّ قبل از رسیدن موسم آن لازم و واجب است؟ زیرا وجوب آن فعلیت دارد، یا به نحو واجب معلّق صاحب فصول یا واجب مشروط شیخ یا واجب مشروطی که آخوند گفت.

گفتیم چیزی که صاحب فصول را وادار کرده است که واجب معلّق درست کند و چیزی که شیخ را وادار کرده است که واجب مشروط را به معنای خودش قرار بدهد همین مشکله حجّ بوده است که چگونه مقدّمات حجّ قبل از موسم، وجوب تحصیل دارد؟ آیا ذی المقدّمه واجب نیست، و اگر واجب نیست پس چطور با نبودن وجوب ذی المقدّمه، مقدّمه، واجب می شود؟ و اگر حجّ

واجب است، نحوه وجوبش چگونه است؟ در این جا صاحب فصول راه واجب معلق را پیموده است و شیخ انصاری هم واجب مشروط خودش را اختیار کرده است و ما هم يك واجب مشروط به شرط متأخر درست کردیم برای این که به شیخ و صاحب فصول بگوئیم که راه فقط منحصر به راه شماها نیست؛ بلکه راه سوّمی هم وجود دارد. در مسئله غسل جنابت در باب صوم نیز همین طور است.

به عبارت دیگر، مرحوم آخوند برای حل مشکل مقدمات مفوته دو جواب می دهند که کشف از وجوب ذی المقدمه به طریق برهان انی جواب اول است و اگر کسی بگوید برهان انی در موردی جاری است که شك داشته باشیم و در ما نحن فیه علم به علم وجوب ذی المقدمه در زمان وجوب مقدمه داریم جواب دوم را می دهند که وجوب مقدمه را از راه وجوب نفسی شیء حل کنیم یعنی وجوب للغیر و بین وجوب مقدّمی غیری و وجوب للغیر فرق واضحی است.

حال اگر کسی گفت: ما تا به حال به ذهنمان نیامده بود که قبل از طلوع فجر، روزه واجب باشد. در باب حجّ مانعی ندارد که شما بگوئید کسی که مستطیع شد الآن حجّ بر او واجب است و این يك مطلب شایع معروفی است؛ امّا در باب صوم چنین چیزی به گوش ما نخورده که هنوز طلوع فجر نشده، در عین حال روزه واجب باشد؛ شما چه دلیلی بر وجوب روزه قبل از طلوع فجر دارید؟

- آخوند می فرماید: دلیل ما وجوب مقدّمه این صوم است. از وجوب مقدّمه، وجوب ذی المقدمه را کشف می کنیم ما از راه وجوب مقدمه و به صورت دلیل «ان» که کشف علت از راه معلول است، می فهمیم که ذی المقدمه وجوب دارد؛ پس صوم قبل از طلوع فجر واجب است و در غیر این صورت مستحیل است.

اگر پافشاری کنید و بگوئید: ما نمی توانیم خود را قانع کنیم که صوم، قبل از طلوع فجر متّصف به وجوب باشد و هرچه دلیل اقامه کنید ما را قانع نمی کند.

آخوند می گوید: يك راهی دیگر برای شما درست می کنیم که آن راه این است که شما بگوئید: غسل جنابت، قبل از طلوع فجر وجوب مقدّمی ندارد و اگر وجوب مقدّمی دارد، راهی غیر از این نیست که گفتیم. امّا می شود يك وجوب دیگری برای آن درست کرد و گفت:

غسل جنابت قبل از طلوع فجر، غیر از غسل جنابت برای نماز صبح در سایر ایام است. غسل جنابت برای نماز صبح، عنوان مقدّمی و وجوب غیری دارد؛ ولی غسل جنابت برای صوم و صحّت آن، عنوان مقدّمی ندارد. دلیلی گفته است: يجب غسل الجنابة قبل طلوع الفجر، و ما می گوئیم: وجوب این، وجوب مقدّمی نیست؛ بلکه وجوب نفسی است، منتهی دو جور وجوب نفسی داریم:

يك وجوب نفسی داریم که خودش استقلال دارد و عنوان آمادگی و تهیّو برای شیء دیگری در کار نیست.

يك واجبات نفسیه دیگری هم داریم که مولی آن را به عنوان فراهم ساختن زمینه و آماده شدن و آمادگی، واجب می کند، مثلاً قبل از طلوع فجر می گوید: يجب غسل الجنابة، که در این جا مقدّمیتی در کار نیست ولی می خواهد زمینه را آماده کند برای واجب مهمتر که صوم در روز است.

- در حقیقت وجوب صیام و وجوب غسل جنابت قبل از فجر، هر دو واجب نفسی هستند؛ منتهی وجوب غسل جنابت به عنوان آماده شدن و تهیّو برای ایجاب صوم است، بدون این که جنبه مقدّمی داشته باشد و وجوب آن غیری باشد. این راه حل هم برای

ما امکان دارد.

اما اگر گفتید که بین صوم و نماز در غسل جنابت فرقی نیست و در هر دوی اینها عنوان مقدمیت برای غسل ثابت است، چاره‌ای نیست که وجوبِ صوم را در شب ثابت کنید و منتظر طلوع فجر نشوید.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ